

# حماسه اقتصادی

## از منظر قرآن و روایات

دکتر روح الله صمدی<sup>(۱)</sup>

### چکیده:

هیچ حرکت اقتصادی در منظومه معرفت اسلامی نمی تواند موفق باشد مگر آنکه خواستگاه، مسیر و مقصد آن خدایی باشد. با تدبیر در قرآن کریم می بینیم اهمیت بحث های اقتصادی در دین مبین اسلام به گونه ای است که خدای متعال بخش قابل توجهی از این کتاب بزرگ و انسان ساز را به بحث های مختلف کلان و گاهی ریز اقتصادی از جمله حلال، حرام، مکروه، مستحب، جمع اموال، امتحان الهی از طریق مال دنیا، خمس، زکات، خرید، فروش، اجاره و حتی نوع عملیات اقتصادی مثل شکار، صید، اماکن، زمان های حرمت صید، زراعت، غواصی، کشتیرانی، دامداری و... اختصاص داده است. لذا در این نوشتار به معنی جهاد و اقتصاد پرداخته، سپس شاخص های مدنظر قرآن کریم برای تحقق جهاد اقتصادی در یک جامعه را بررسی کرده و پس از آن بعضی از راهکارهای اقتصادی مندرج در قرآن کریم و نتایج و آثار حاصله از جهاد اقتصادی پرداخته ایم.

**واژه گان کلیدی:** جهاد، اقتصاد، جهاد اقتصادی، اصلاح، اسراف، اصلاح الگوی مصرف.

۱. پژوهشگر علوم و معارف قرآنی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی کمیجان

## مقدمه

اقتصاد از ریشه قصد و به معنی چیزی ضد افراط و تفریط در واقع به معنی میانه روی است. همچنین به معنی پس انداز، تعادل و صرفه جویی نیز می‌باشد. با انضمام کلمه جهاد به اقتصاد تبعاً به این معنی می‌رسیم که جهاد اقتصادی یعنی حرکتی جدی، پایمردانه و سخت کوشانه در راه پس انداز، تعادل و صرفه جویی و اگر این نگاه را با چشم انداز نظام اسلامی در آمیزیم در واقع باید مفهوم يك حرکت جدی و سخت کوشانه در عرصه پس انداز، تعادل و صرفه جویی ملی در حیطه منابع و امکانات مادی و معنوی را در نظر بیاوریم. حرکت و فعالیت اقتصادی به صورت جهادگونه به گونه‌ای است که موجب رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌شود و همانطور که افراد در جهاد نظامی به صورتی متهورانه، دلیرانه می‌جنگند، در جهاد اقتصادی افراد با يك برنامه حساب شده، عمیق، همه جانبه و خستگی ناپذیر در جهت انجام عملیات و طرح‌های اقتصادی حرکت کرده و هدفگذاری آنها به گونه‌ای باشد که رشد اقتصادی جامعه به شکل فزاینده و مضاعف را در پی داشته باشد.

### شاخص‌های زمینه‌ساز در حماسه اقتصادی

بعضی از این شاخص‌ها جنبه مقدمه داشته و بعضی دیگر عملاً در جهاد اقتصادی مؤثر و ایفا کننده نقش می‌باشند.

#### ۱) ایمان و رعایت تقوای الهی

قرآن کریم در يك نگاه معنوی که آثار قطعی مادی دارد، داشتن ایمان و تقوای موجب افزایش برکات و به تبع آن رشد اقتصادی می‌داند و اتفاقاً تکذیب دین و معارف آن را موجب عذاب الهی برمی‌شمرد. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف/ ۹۷) و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم، ولی آنها تکذیب کردند پس ما نیز ایشان را به سزای آنچه می‌کردند گرفتار

هیچ حرکت اقتصادی در منظومه معرفت اسلامی نمی‌تواند موفق باشد مگر آنکه خواستگاه، مسیر و مقصد آن خدایی باشد. با تدبیر در قرآن کریم می‌بینیم اهمیت بحث‌های اقتصادی در دین مبین اسلام به گونه‌ای است که خدای متعال بخش قابل توجهی از این کتاب بزرگ و انسان ساز را به بحث‌های مختلف کلان و گاهی ریز اقتصادی اختصاص داده است.

ساختیم. پس انسان مومن به قرآن کریم قبول دارد و می‌داند که درنگاه توحید محور، ایمان راسخ و صحیح حتی آثار وضعی اقتصادی و جلب برکات مادی را هم در پی دارد، آن را به عنوان مقدمه‌ای برای جهاد اقتصادی خواهد دانست.

## ۲) وجود اخلاق اقتصادی

در نگاه اقتصادی سالم که البته بی‌ارتباط به ایمان و رعایت تقوای الهی نیز نیست افراد می‌دانند که تجارت و اقتصاد نباید جایگزین سایر وظایف حتی اخلاقیات، انسانیت و یاد خدا شود. «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» (نور/۳۷) مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات غافل نمی‌کند و همچنین افراد می‌دانند که بابت هر چیز از هر راهی و به هر شکلی نباید کسب سود و مزد نمایند و از کم فروشی و کاستن از کیفیت و کمیت کار هم باید بپرهیزند. «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ \* أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ \* وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَلْمُسْتَقِيمِ» (شعراء/۱۷۹-۱۸۲) بر این رسالت اجری از شما طلب نمی‌کنم، اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست. پیمانانه را تمام دهید و... از کم فروشان نباشید و با ترازوی درست بسنجید.

## ۳) توجه دقیق توأم با ایمان به قاعده نفی سبیل

با دقت در فضای تعلیماتی دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم می‌بینیم که در اسلام هرگز پسندیده نیست که کفار بر مؤمنین تسلط داشته باشند. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) خداوند به عنوان نمونه عبارت به این دیدگاه «... هرگز برای کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان قرار نداده است اشاره دارد. آنچه مسلم است یکی از مهمترین و کاراترین راه‌های تسلط بر جوامع بشری، طریق اقتصاد است و از جهت جهاد اقتصادی باید این نگرش در بین جهادگران اقتصادی وجود داشته باشد که هرگز و به هیچ عنوان حاضر نباشند کمترین تسلط اقتصادی کفار و دشمنان را بر خود و جامعه خود بپذیرند که این روحیه از بهترین تمهیدات برای کلید خوردن جهاد اقتصادی است.

## ۴) تعاون و همکاری سازنده:

تمامی عاقلان عالم به تجربه می‌دانند که از طریق تعاون و همکاری، امور با قدرت، سرعت و کیفیت بهتری انجام می‌شود و چه بسا بعضی از امور بدون تعاون و همکاری اصلاً به مرحله انجام نمی‌رسند. قرآن کریم نیز بر این اصل مهم به طور مطلق اشاره کرده «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ

لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲﴾ (مائده / ۲) در کارهای نیک و تقوا با هم همکاری کنید و در گناه و دشمنی همکاری ننمایید.

## ۵) پرهیز از کسب درآمدهای حرام

### الف: ربا

در منطق قرآن ربا موجب عدم سلامت جامعه، دشمنی با خدا - که سرمنشأ تمام قدرتها و فیضها است. و موجب سرگشتگی و بیهوشی جامعه است و مسلماً بیهوشی از عوامل مخل به جهاد می باشد؛ چراکه فرد و جامعه بیهوش در امور جاری خود ناتوان است؛ چه برسد به امور جهادی و سخت کوشانه. قرآن انسان رباخوار را فردی بی شعور و جن زده معرفی می کند که دچار وسواس شیطان است و به تبع آن جامعه ای که دچار رباخواری شده در واقع متشکل از افرادی مست، سست عنصر، سودپرست و بی رغبت به فعالیت اقتصادی و جهد و کوشش در این راه می باشد.

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره / ۲۷۵) آنان که ربا می خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی خیزند که به افسوس شیطان دیوانه شده باشند. و این به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است.

### ب: تصاحب اموال دیگران از طریق نامشروع

یکی از مواردی که مخالفت جدی با جهاد اقتصادی دارد، تصاحب مال دیگران از راه غیرقانونی و نامشروع است؛ وجود شغل های کاذب، دلالی، واسطه گری، پول شوئی و... به نوعی تصاحب مال غیر بدون هیچ تلاش و زحمت مفید و موثر در تولید و رشد اقتصادی جامعه است و عده ای دنیا طلب در این حالت به جای جهد و کوشش صحیح و سازنده، درصد کسب اموال دیگران از راه خلاف شرع برآمده و در اینصورت فقط مالی از یک نفر به فرد دیگر منتقل می شود که اتفاقاً از نظر قرآن موجب

حرکت و فعالیت اقتصادی به صورت جهادگونه به گونه ای است که موجب رشد و توسعه اقتصادی جامعه می شود و همانطور که افراد در جهاد نظامی به صورتی متهورانه، دلیرانه می جنگند، در جهاد اقتصادی افراد با یک برنامه حساب شده، عمیق، همه جانبه و خستگی ناپذیر در جهت انجام عملیات و طرح های اقتصادی حرکت کرده و هدفگذاری آنها به گونه ای باشد که رشد اقتصادی جامعه به شکل فزاینده و مضاعف را در پی داشته باشد.

بی برکتی مال گشته و اصلاً به برابری اقتصادی جامعه چیزی اضافه نکرده و افزایش سرمایه در سطح جامعه اتفاق نمی‌افتد. قرآن کریم در این خصوص با توجه به فراوانی احتمال وقوع این مقوله «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۸۸) اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید و آن را به رشوه به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورند و شما خود می‌دانید.

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح او باشد تا به سن بلوغ رسد. طریق ناصحیح حتی نزدیک هم نشوید؛ چه رسد به آنکه بخواهید از آن سوء استفاده بکنید. این آیه به بدی و منفور بودن رشوه هم اشاره دارد که در واقع سعی نکنیم از طرق مختلف از جمله رشوه دادن به بعضی قضات و مراجع صدور حکم صاحب اموال و حقوق دیگران بشویم.

## ۶) انفاق اموال و شکرگزاری

در قرآن کریم انفاق و شکر نعمت باعث برکت و افزایش مال معرفی شده است. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱) مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد. خدا پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می‌کند. خدا گشایش دهنده و داناست. یعنی اگر قصد افزایش مال را هم داریم، بهتر است نسبت به آنچه داریم به درگاه خدا شکرگزار بوده و بخشی از آن را در راه خدا انفاق کنیم که بنابر عمومیت مفهوم این آیه، خداوند هفتصد برابر را مرده داده است. به علاوه آنکه در این حرکت اقتصادی پاک آثار و برکات معنوی هم به فراوانی وجود دارد که از آن جمله تزکیه و آرامش نفس و همچنین نیابت از خدای تعالی در روزی رسانی به مخلوقات را می‌توان نام برد. اما برای

در منطق قرآن ربا موجب عدم سلامت جامعه، دشمنی با خدا - که سر منشأ تمام قدرتها و فیضها است. و موجب سرگشتگی و بیهوشی جامعه است و مسلماً بیهوشی از عوامل مخل به جهاد می‌باشد؛ چرا که فرد و جامعه بیهوش در امور جاری خود ناتوان است؛ چه برسد به امور جهادی و سخت کوشانه.

انفاق مال در راه خدا طرق و اشکال مختلفی مطرح شده که تناسب با بحث جهاد اقتصادی نیز دارد از جمله این انفاق‌ها می‌توان به خمس اشاره کرد.

﴿وَأَعْمُوا أَنْمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّمَيِّزِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال / ۴۱)

و اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه به هم رسیدند نازل کرده ایم ایمان آورده اید، بدانید که هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است. و خدا به هر چیز تواناست.

اشاره به نوع دیگری از انفاق است که در شرایط خاصی واجب می‌شود و باید با انجام این امر واجب قدمی در جهت رفع محرومیت بعضی از اقشار جامعه برداشته شود و به تبع آن بستری در جهت استیفاء حقوق نیازمندان و همچنین کم شدن فاصله طبقاتی در سطح جامعه و توجه به رشد اقتصادی دیگران در این قالب گردد.

از مصادیق دیگر انفاق می‌توان به زکات واجب و مستحب اشاره کرد. دین مبین اسلام با تشریح قاعده زکات در بعضی امور عملاً بستر دیگری را در جهت کم شدن فاصله طبقاتی جامعه و رشد اقتصادی دیگران فراهم آورده و در آیات متعدد خواص معنوی قابل توجهی را برای زکات برمی‌شمرد و بیان می‌نماید این حرکت اقتصادی آثار مثبت معنوی از جمله تزکیه نفس، تزکیه مال، جلب یاری خدا و هدایت ویژه را در پی دارد و در بیانی بسیار امیدبخش اظهار می‌دارد که خداوند خود صدقات (زکات) را همانند توبه بندگان قبول می‌کند و ما با دادن زکات توجه خدای متعال این منشأ لایزال قدرت، را به خود جلب می‌نمائیم.

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ يُبَدِّلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه / ۱۰۴)

آیا هنوز ندانسته‌اند که خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات را می‌ستاند، و خداست که توبه‌پذیر و مهربان است؟ (تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، سوره‌های بقره، انفال و توبه)

## ۷) قرض الحسنه

قرض الحسنه یکی از پربرکت‌ترین برنامه‌های اقتصادی قرآن است. در مقابل ربا که یکی از مصادیق خوردن مال به باطل است و در ضعف اقتصادی جامعه تأثیر بسیار دارد، قرض الحسنه به عنوان یکی از مفاهیم عالیه اسلامی قرار دارد و در اهمیت آن همین بس که معمولاً کتب فقهی با حدیثی که دلالت بر ۱۸ صواب برای قرض الحسنه دارد باب دین و قرض دارد را آغاز می‌کنند و این

در حالی است که برای انفاق ۱۰ صواب شمرده شده است .

در قرض الحسنه فرد مقروض دغدغه باز پس دادن قرض را دارد و اهمیت آن در این است که اولاً با اداء دین کرامت انسانی حفظ شده و ثانیاً فرد از حرکت و تلاش باز نمی ایستد تا دین خود را اداء کند و این موجب تحرك اقتصادی فرد و به تبع آن جامعه می شود .

اهمیت قرض دادن به خدا را قرآن کریم با عبارات خاصی از جمله قرض الحسنه بیان داشته و آن را عامل افزایش روزی و توان اقتصادی و معنوی بیان می دارد .

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/ ۲۴۵) کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟

خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز گردانده می شوید در جای دیگری خدای متعال قرض الحسنه را عامل بخشش گناهان و رسیدن به تجارت دیگری یعنی بهشت برین معرفی می کند و خلاصه با زبانی دیگر اظهار می دارد که اگر افراد دارا در جامعه اقتصادی در قالبی سالم و مورد تأیید دین به دیگران وام دهند و به نوعی توان اقتصادی دیگران را هرچند موقت افزایش دهند، این عمل معادل نماز و ایمان به رسولان، ارزشمند می باشد .

چرا که نماز و سایر معارف دین در جهت کرامت انسان بوده «وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (مائده/ ۱۲) و به خدا قرض الحسنه بدهید، من با شما میم. بدیهایتان را می زدایم و شما را به بهشتهایی داخل می کنم که در آن نهرها روان باشد .

«إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/ ۱۸) خدا به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده ای که به خدا قرض الحسنه می دهند، دو چندان پاداش می دهد و نیز آنها را اجری نیکوست .

قرض الحسنه یکی از پربرکت ترین برنامه های اقتصادی قرآن است . در مقابل ربا که یکی از مصادیق خوردن مال به باطل است و در ضعف اقتصادی جامعه تأثیر بسیار دارد، قرض الحسنه به عنوان یکی از مفاهیم عالیه اسلامی قرار دارد و در اهمیت آن همین بس که معمولاً کتب فقهی با حدیثی که دلالت بر ۱۸ صواب برای قرض الحسنه دارد باب دین و قرض دارد را آغاز می کنند و این در حالی است که برای انفاق ۱۰ صواب شمرده شده است .

## ۸ عدالت

افراد و جوامع به عدالت اجتماعی نخواهند رسید مگر آنکه عدالت اقتصادی فراهم شده باشد. از اهم مأموریت‌های حاکم اسلامی ایجاد کامل عدالت با تمامی شاخصه‌های آن از جمله شاخصه اقتصادی است؛ همانگونه که قرآن کریم از زبان رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْتُ لِأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَالْيَهُ الْمَصِيرُ﴾ (شوری / ۱۵)، امر شده ام که در میان شما به عدالت رفتار کنم مسلماً جامعه به عدالت اجتماعی و اقتصادی نخواهد رسید مگر آنکه بعضی موارد را رعایت کند که از جمله آنها عبارت است از:

۱- انحصار یا به زبان امروزی رانت خواری در جوامع از عوامل مخل دستیابی همگان به شرایط سالم کسب و کار و تولید و به تبع آن رشد اقتصادی جامعه است؛

۲- کوتاه کردن دست ناهلان از فعالیت‌های اقتصادی و توزیع و گردش سرمایه است. ناهلان اقتصادی را می‌توان از این منظر غیرم تخصصان و کسانی که از صلاحیت کامل سنی، عقلی و... جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی برخوردار نیستند دانست؛

۳- برخورد با اخلال‌گران اقتصادی به عنوان دشمن و محارب قرآن کریم افراد رفاه طلب و به قول امروزی مرفهین بی درد را با عنوان معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که کار این مترفین در رفاه طلبی به جایی می‌رسد که تنوع طلبی و تجمل‌گرایی، آنها را به هر جنابیتی وامیدارد. ﴿مَمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ (هود / ۱۱۶)

۴- برخورد با سارقان عمده که اصطلاحاً اختلاس‌کنندگان نام دارند و همچنین محتکرین. قرآن کریم می‌فرماید که مؤمنان از احتکار بدورند. مال و اولاد عامل امتحان الهی است. نقصان‌های اقتصادی از احتکار مالی است. مال اندوزی و احتکار موجب انحطاط اخلاقی و تربیتی است. ﴿الْهَآكُمُ النَّكَآثِرُ \* حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ (تکواثر / ۱-۲)

﴿وَيَلِّ لِمُطْفِفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ

افراد و جوامع به عدالت اجتماعی نخواهند رسید مگر آنکه عدالت اقتصادی فراهم شده باشد. از اهم مأموریت‌های حاکم اسلامی ایجاد کامل عدالت با تمامی شاخصه‌های آن از جمله شاخصه اقتصادی است



يُخْسِرُونَ﴾ (مطففين/ ۱-۳)

۵- وای بر کم فروشان. آنان که چون از مردم کیل می ستانند آن را پُر می کنند و چون برای مردم می پیمایند یا می کشند از آن می کاهند. از مصادیق بارز کم فروشی می توان به کم فروشی تخصص و مهارت اشاره کرد.

### ۹) توجه به عبادت بودن کار

قرآن کریم در آیات متعدد به کار و تلاش اقتصادی تحت عنوان مجاهده و هجرت در راه خدا اشاره کرده و بیان می دارد که حرکت کشتی ها در دریا به امر خدا و برای بهره مندی انسان ها است، از رحمت خداست که شب را مایه آرامش و روز را جهت بهره مندی از فضل خدا قرار داده است. در قرآن کریم آمده است برای حضرت سلیمان اجنه به عنوان عمال و کارگر گماشته شده بودند تا در نزد او به امور مختلف از جمله غواصی و بنایی بپردازند و در جای دیگر بیان می فرماید که اصلاً زمین برای این رام شده تا در آن حرکت کرده و از روزی الهی با توجه به سعی خودتان بهره مند شوید. پس جامعه ای که قصد حرکت در راه اقتصاد را دارد باید این آموزه قرآنی را مدنظر داشته باشد که کار و تلاش اقتصادی نوعی عبادت ممدوح و مورد سفارش اسلام بوده و هر کس به هر شکل ممکن باید در مسیر تبلیغ فرهنگ کار و تلاش اقدام نماید.

### ۱۰) توجه به قراردادهای و معاملات

یکی دیگر از اشکال هایی که موجب ایجاد اختلال در سطح جوامع مختلف و در امور اقتصادی می شود، عدم توجه به قراردادهای اقتصادی و یا عدم توجه به مفاد این نوع قراردادها است. در بعضی مواقع افراد بدون ثبت و ضبط شرایط معامله و صرفاً با اعتماد بین دو طرف اقدام به انجام معامله کرده و این امر در بسیاری از مواقع موجب عدم شفافیت و اخلاص در روال صحیح معامله و فعالیت اقتصادی می شود و چه بسا با ضرر و زیان اقتصادی موجب تعطیلی آن فعالیت می گردد. قرآن کریم در این خصوص افراد را موظف کرده تا در هنگام انجام يك فعالیت اقتصادی حتماً به عقد قرارداد و به خدمت گرفتن شهود بپردازند. حال چه این رابطه اقتصادی در حیطه قرض اتفاق بیفتد و چه در خصوص حرکت دین آور دیگری باشد.

از جمله عقود مطروحه قرآن عبارتند از: بیع، صلح، اجاره، عاریه، ودیعه، مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، قرض، رهن و هبه. از طرفی قرآن پس از توصیه به انجام عقد قرارداد، برای اهل ایمان دستور به وفای به عهد و عقد را هم صادر فرموده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده/ ۱)؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمانها وفا کنید. لذا بر مبنای قرارداد، طرفین فعالیت اقتصادی می‌دانند که چگونه برنامه ریزی کنند، چه موقعی صاحب کالا و یا صاحب مبلغ مورد نظر خواهند بود لذا در حرکت جهادگونه اقتصادی از منظر قرآن از يك سو باید امور در قالبی کاملاً ضابطه مند با شروع و اتمام مشخص شده انجام گیرد و از دیگر سوی باید طرف های اقتصادی که توان مهلت دهی به طرف مقابل را دارند، او را از این مهم محروم نکنند تا از این طریق تمام ظرفیت های اجتماعی به کار گرفته شده و احیاناً خیل ورشکستگان موجب تراز منفی اقتصادی جامعه نشود.

### ۱۱) پیشگیری از اسراف و مصرف گرایی به عنوان منشاء نابسامانی ها (اصلاح الگوی مصرف)

واژه اسراف بیش از ۲۳ بار در آیات متعدد قرآن به کار رفته است و شامل هم اسراف در مال و هم اسراف در غیر مال می‌شود. آیات ۱۴۱ انعام و ۳۱ اعراف و ۶۷ فرقان و ۲۷ و ۲۸ اسراء حکایت گر اسراف در جنبه های اقتصادی می‌باشد. اسراف به معنی تلف کردن مال، گذشتن از حد میانه و بیهوده خرج کردن است و از عوامل کاهش سرعت جهاد اقتصادی است. انسان های مسرف، اموال، دارایی ها و حتی وقت و عمر خود را در مسیری غلط و بیش از حد تلف کرده و از این سرمایه ها به اندازه و در محل و در جهت مناسب استفاده نمی‌کنند قرآن کریم نیز اسراف را امری شیطانی و مسرفان را نیز برادران شیطان نامیده است و شیطان را هم دشمن آشکار انسان می‌داند.

پس اسراف عملی شیطانی و در راستای خدمت به دشمن و بلکه دشمنان است و همچنین بیان می‌دارد که اسراف کنندگان از محبت خدا به دورند و باز هم قرآن زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. اسراف دقیقاً از عوامل تقابل با حرکت جهادگونه اقتصادی است و لذا در جهاد اقتصادی خصوصاً با نگاه دینی باید حتی المقدور با اسراف مبارزه کرده و نسبت به اصلاح الگوی مصرف اقدام نمود.

جهاد اقتصادی

دستیابی به

کرامت انسانی از

طریق ریشه کنی

فقر و استضعاف

مالی، جلوگیری

از کاستی های

اقتصادی، جلوگیری

از انحطاط اخلاقی

جامعه در نتیجه مال

اندوزی زیاد و تکاثر

و تهییج افراد برای

اهتمام به اموال

دیگران را مدنظر

قرار داده و متعرض

این غفلت احتمالی

شده که فکر نکنیم

حرکت پرشتاب در

مسیر اقتصاد موجب

تباهی، سوداگری

و در نقطه مقابل

تعالی انسانی و

اسلامی است.

## ۱۲) استفاده بهینه از منابع موجود برای مصرف

در حرکت‌های اقتصادی و تولیدی متفکران اقتصادی مسلماً بنا را بر این می‌گذارند که از امکانات موجود بیشترین بهره برداری را نموده و حتی المقدور برگشت سرمایه و سود را در پی داشته باشند. امکانات موجود اصلاً قابل چشم پوشی نیست هرچند که طبیعی و خدادادی بوده و برای بدست آوردن آنها زحمت بسیار زیادی تحمل نشده باشد. قرآن کریم نمونه‌هایی از استفاده بهینه از منابع موجود را مطرح کرده که بعضاً همراه با نوآوری و شکوفایی هم بوده است. مثلاً در خصوص حضرت یوسف علیه السلام و داستان قحطی ۷ ساله مصر که مهمترین بحث اقتصادی آن زمان بوده می‌بینیم که حضرت یوسف علیه السلام اولاً از يك سری امکانات خدادادی اعم از قدرت تأویل خواب و پیشگویی خدادادی خود و خاصیتی که در غلات وجود داشته و همچنین موقعیت سیاسی ایجاد شده استفاده می‌کند و از این نعمت الهی به شکلی نوآورانه بهره برده و دستور انبار کردن محصولات را صادر کرده و ثانیاً نحوه انبار کردن را با عبارت تعیین می‌کند که باید گندم در همان غلاف خود و به صورت پوست نکنده انبار شود تا مدت ۷ سال را دوام بیاورد.

نیز در خصوص حضرت داود علیه السلام از آنجایی که خدای متعال بیان می‌فرماید **وَأَلَّا لَهُ الْاِحْدِيدَ آهِنَ** را برای او نرم گردانیدیم و در جای دیگر نیز آمده است: **﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ﴾** (انبیاء/ ۸۰) و به او آموختیم تا برایتان زره بسازد. تا شما را به هنگام جنگیدنتان حفظ کند. معلوم می‌شود ایشان از توانایی‌های خاصی برخوردار بوده و توان گفتگو با پرندگان و حیوانات و کسب اطلاعات از آنها را داشته و با استفاده از توان ذوب آهن و شکل دهی آن به حالت زره برای مجاهدان راه خدا جان پناه و زره می‌ساخته و به هر جهت از این نعمت خدادادی و منبعی که برای ایشان جنبه طبیعی داشته استفاده بهینه می‌کرده تا لشکر ایمان را در مقابل سپاه کفر یاری و تقویت نماید. از همین دست می‌توان به بحث ساخت سد در مقابل حملات یاجوج و ماجوج توسط ذی القرنین اشاره کرد. (کهف/ ۸۳)

حضرت سلیمان علیه السلام از این منابع خدادادی به بهترین وجه در جهت اهداف الهی و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه خود و حتی شکست دشمنان خدا استفاده کرد. با توجه به آنچه که گفته شد، استفاده بهینه از منابع موجود که اتفاقاً با نگاه نوآورانه همراه باشد یکی از مهمترین و مؤثرترین گام‌های جامعه در جهت جهاد اقتصادی است.

پس با الگوبری از آموزه‌های قرآن کریم باید از این منابع موجود به نحو احسن استفاده کرده و در مسیر جهاد اقتصادی گام برداشت که اگر چنین شود بسیاری از معضلات کم شده و زمینه‌های

فراوانی در جهت ایجاد مشاغل مفید و پربازده ایجاد خواهد شد.

## نتیجه گیری

جهاد اقتصادی همچنانکه در این نوشتار به آن اشاره شده، دستیابی به کرامت انسانی از طریق ریشه کنی فقر و استضعاف مالی، جلوگیری از کاستی های اقتصادی، جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه در نتیجه مال اندوزی زیاد و تکاثر و تهییج افراد برای اهتمام به اموال دیگران را مدنظر قرار داده و متعرض این غفلت احتمالی شده که فکر نکنیم حرکت پرشتاب در مسیر اقتصاد موجب تباهی، سوداگری و در نقطه مقابل تعالی انسانی و اسلامی است.

همچنانکه اهمیت دارایی برای قوام زندگی و جامعه در زمان حضرت سلیمان علیه السلام این پیامبر بزرگ الهی - به خوبی خودنمایی نمود و حضرت سلیمان علیه السلام با بهره مندی فراوان از نعمت های دنیایی که خدای متعال در اختیار ایشان قرار داده بود هیچ نیاز به هدایا و امکانات ملکه سبا که سمبل کفر در آن زمان بود نداشت و بلکه ضمن برخورد مقتدرانه با او و قوم خورشید پرستش، آنان را به دین حنیف و یکتا پرستی خود دعوت کرد و به نوعی مدینه فاضله ای در زمان خود ایجاد نمود: «وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر/۱-۴)؛ هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام با آن حرکت جهادی، اقتصادی خود، جامعه را نجات داد، توانست به مرور حق ستم دیدگان را از توانگران گرفته و به آنها باز پس دهد. پس نهایتاً جهاد اقتصادی باید در جهت کرامت و تعالی انسانی و مهمترین شاخصه آن یعنی عدالت حرکت نماید.

مسلماناً ما نیز که در انتظار سید اوصیاء و آخرین ذخیره الهی هستیم، با جهاد اقتصادی خود که در مسیر تعالیم عالیه قرآن کریم است، باید به سهم خود شرایطی را ایجاد کنیم که در زمان ظهور دولت یار؛ آن یار سفر کرده با بهترین شرایط مواجه بوده و اقدام به ایجاد عدل و قسط فرماید و ضمن احیای کرامت انسان، ابواب رحمت الهی به سوی انسان زمینی باز گردد که خدای متعال فرمود: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْزُومِ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ» (ذاریات/۲۲) و در اموالشان برای سائل و محروم حقی بود. و در زمین برای اهل یقین عبرتهایی است، و نیز در وجود خودتان. آیا نمی بینید؟ و رزق شما و هر چه به شما وعده شده در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمانها و زمین که این سخن، آن چنان که سخن می گویند، حتمی است.

## منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه. ترجمه‌ی فیض الاسلام، علینقی. تهران؛ انتشارات بینا، سال ۱۳۵۱.
۳. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. «لسان العرب». ج ۱۳. بیروت؛ داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، سال ۱۴۰۸.
۴. حریری، محمدیوسف. «فرهنگ اصطلاحات قرآنی». قم؛ انتشارات هجرت، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸.
۵. دهخدا، علی اکبر. «لغت‌نامه دهخدا». ج ۴۳. تهران؛ چاپ سیروس، سال ۱۳۳۷.
۶. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد. «المفردات فی غریب القرآن». مکتبه‌المرتضویه، تهران.
۷. طباطبایی، محمدحسین. «تفسیر المیزان». ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی. قم؛ مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم، بی‌تا.
۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. «مجمع‌البیان». تهران؛ چاپ اسلامیة، بی‌تا.
۹. عاکفی، اسماعیل. «اصلاح الگوی مصرف». بی‌تا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۰. قرشی، علی اکبر. «قاموس قرآن». ج ۶. تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، سال ۱۳۶۷.
۱۱. معلوف، لویس. «المنجد فی اللغة». تهران؛ انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، سال ۱۳۶۵.
۱۲. معین، محمد. «فرهنگ معین». ج ۳. تهران؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۱.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. «تفسیر نمونه». قم؛ انتشارات نسل جوان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۰.
۱۴. موسوی خمینی، روح‌الله. «صحیفه‌ی نور». بی‌جا، بی‌تا.

